

تأثیرپذیری نظام ارزشی دانش‌آموزان از خانواده و مدرسه

فائزه منشی^۱

چکیده

اصولاً هر جامعه برای ایجاد هم‌نواپی، آرمان‌ها، مطلوب‌ها، معیارها، الگوها و طرز رفتار ویژه‌ای برمی‌گزیند- که ارزش‌ها و هنجارها نام دارند- و از آحاد مردم توقع دارد که مطابق آنها رفتار کنند؛ چون موجودیت هر جامعه به نظام ارزش‌ها و انسجام آن وابسته است. معمولاً افراد طی فرآیند جامعه‌پذیری، ارزش‌های جامعه خویش را اخذ کرده، آن را درونی می‌کنند. نمایندگان جامعه که در مراحل رشد، شیوه‌های زندگی و به طور کلی فرهنگ را انتقال می‌دهند، عوامل اجتماعی شدن نامیده می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: خانواده، دوستان و همسالان، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی. این عوامل همیشه مجموعه‌های آموزشی ثابتی را تعلیم نمی‌دهند و آنچه یک فرد از هر یک از این عوامل می‌آموزد، ممکن است با دیگران متفاوت و حتی متضاد باشد.

این پژوهش تلاشی در جهت بررسی رابطه نظام ارزشی والدین و مربیان مدرسه با نظام ارزشی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران و تعیین سهم این دو نهاد در پیش‌بینی نظام ارزش‌های دانش‌آموزان است. بدین منظور ۸۹۴ نفر از دانش‌آموزان

(دختر و پسر) سال سوم دبیرستان‌های دولتی و ۴۲۰ نفر از اولیاء همان مدارس (مرد و زن) در مناطق نوزده گانه شهر تهران بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نظام ارزشی والدین و دانش‌آموزان همبستگی مثبت وجود دارد و نظام ارزشی والدین می‌تواند نظام ارزشی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند؛ در حالی که بین نظام ارزشی مربیان مدرسه و نظام ارزشی دانش‌آموزان همبستگی مشاهده نشد. بنا بر این یکی از ارکان مهم در فرآیند جامعه‌پذیری، نقش خود را به خوبی ایفا نکرده است.

کلیدواژه‌ها: ارزش، نظام ارزشی، دانش‌آموز، والدین، مربیان مدرسه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

دستورالعمل‌های رفتار در هر جامعه از ارزش‌های^۱ آن جامعه ناشی است. محتوای هنجارها^۲ و بایدها و نبایدها تحت تأثیر ارزش‌های جامعه شکل می‌گیرد و حداقل به صورت یک اصل می‌توان گفت که همه هنجارها در یک ارزش اجتماعی اساسی ریشه دارند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۶۴).

ارزش‌ها معیارهایی هستند که افراد در باره کنش‌های خود و دیگران با مقایسه آنها قضاوت می‌کنند. آنها مشخص می‌کنند که مردم باید در پی چه هدف‌هایی باشند، چه چیز لازم و چه چیز ممنوع است، چه چیز شرافتمندانه و چه چیز شرم‌آور است و چه چیز زیبا و چه چیز زشت است (شارون به نقل از شیبوتانی،^۳ ۱۳۷۹: ۱۹۴). افزون بر این، ارزش‌ها در حفظ نظام اجتماعی و یکپارچگی جامعه، نقشی به‌سزا دارند (پارسنز، ۱۹۵۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسی اعضاء یک جامعه از طریق درونی کردن، ارزش‌ها را می‌پذیرند و به هنجارها گردن می‌نهند. پارسنز علت این پذیرش را در این امر می‌داند که افراد هنجارها و ارزش‌ها را درونی می‌کنند و از این طریق آن ارزش‌ها و هنجارها جزو اعتقادات درونی، امتیازات شخصی و توقعات افراد از یکدیگر می‌شوند (ورسلی، ۱۳۷۸: ۹-۶۸). وی درونی کردن مشترک قواعد و ارزش‌ها را شرط ضروری ثبات می‌داند؛ لذا آموزش ارزش‌ها به افراد شرط کارکردی نظام قرار می‌گیرد (بدیع، ۱۳۷۶). این کارکرد عمدتاً در خانواده و نظام آموزشی متمرکز است؛ هرچند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز «کارکرد» و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۵۰). ارزش‌ها در سال‌های اولیه زندگی فرد به

1- values

2- norms

3- Shibutani

طور عمده در خانواده و سپس در مدرسه به دست می‌آیند و آنگاه که او کودکی ده ساله شود، اکثر ارزش‌های اساسی وی برنامه‌ریزی شده است (هافستد، ۱۹۹۷). بدیهی است تأثیر عوامل گوناگون جامعه‌پذیری همواره با هم سازگار نیستند. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان کارکردگرا اشتراک ارزش‌ها در بین نهادهای مختلف جامعه که مسئولیت جامعه‌پذیری افراد را بر عهده دارند، موجب هماهنگی در انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر و تداوم حیات اجتماعی است. این نظام ارزشی مشترک و مورد اتفاق، اساس کنش و کارکرد جامعه را می‌سازد. در این جهت مسائل اصلی این پژوهش عبارت است از:

الف- بررسی رابطه نظام ارزشی دانش‌آموزان با نظام ارزشی والدین و مربیان مدرسه

ب- تعیین سهم نظام ارزشی خانواده و مدرسه در پیش‌بینی نظام ارزشی دانش‌آموزان

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در مرور دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه ارزش‌ها شاید بتوان آنها را در سطح کلان به دو دیدگاه «وفاق» و «کشمکش» تقسیم کرد. نظریه‌های توافق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را برای جامعه، بنیادی انگاشته، بر نظم اجتماعی مبتنی بر توافق‌های ضمنی تأکید می‌ورزند و دگرگونی اجتماعی را دارای آهنگی کند و سامان‌مند می‌دانند؛ در مقابل، نظریه‌های کشمکش بر چیرگی برخی از گروه‌های اجتماعی بر گروه‌های دیگر تأکید می‌ورزند و نظم اجتماعی را مبتنی بر دخل و تصرف و نظارت گروه‌های مسلط می‌انگارند؛ همچنین دگرگونی اجتماعی را دارای آهنگی سریع و نابه‌سامان می‌دانند و معتقدند که این امر، بیشتر زمانی رخ می‌دهد که گروه‌های زیردست، گروه‌های مسلط را برمی‌اندازند (رتیزر، ۱۳۸۰:

۱۱۸). به اعتقاد کارکردگرایان، ارزش‌های مسلط و عمده، ارزش‌هایی هستند که به طور بسیار وسیع پذیرفته شده و نهادی شده‌اند؛ اما از نظر نظریه‌پردازان ستیز، ارزش‌های عمده و مسلط صرفاً از نظر سیاسی مسلطند. این ارزش‌ها حتی در جوامعی که به نظر می‌رسد مورد قبول عام هستند، در واقع تحمیلی‌اند. گروه‌های تابع جامعه به ایجاد ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های گروه مسلط میل دارند؛ مگر اینکه گروه‌های مسلط با القائات مبتنی بر اقتدار خود مانع چنین امری شوند. بنا بر این گروه‌های تابع همیشه نمایندگانی هستند که ممکن است موجب انتقال انقلابی جامعه و واضح ارزش‌های بدیع خود باشند (ورسلی، ۱۳۷۸: ۶۷).

وبر و پارسنز این دیدگاه را که سازماندهی اجتماعی، خود باعث بروز نابرابری‌ها و ایجاد طبقات اجتماعی یا اقتصادی متفاوت می‌گردد، کاملاً نفی نمی‌کنند. آنچه در این پندار پذیرفته نمی‌شود، این ادعاست که ساخت جامعه به منظور بهره‌برداری اقلیت جامعه از قوه قهریه برای تسلط بر اکثریت افراد جامعه ایجاد شده است. پارسنز به عنوان یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان کارکردگرا به طور کامل منکر حقانیت نظریه جبر می‌شود. در مقابل، وی معتقد است که ایجاد یک جامعه ممکن نیست، مگر اینکه تمام افراد بالغ اصولی را بپذیرند که بر اساس آنها نحوه تقسیم کار برای همه قابل درک و تحمل پذیر شود؛ به این معنی که جامعه از انسانهایی تشکیل یافته که درباره ارزش‌هایی به خصوص اتفاق نظر دارند و در باره آنچه درست یا نادرست انگاشته می‌شود، یکسان می‌اندیشند. این ارزش‌ها به نابرابری‌های موجود در سازمان اجتماعی مشروعیت می‌بخشد و اخلاقاً آنها را برای افراد جامعه پذیرفتنی می‌کند.

پارسنز نوشته است: «اجتماعی که سازمان سیاسی و استحکام نسبی یافته است، به‌وضوح نوعی اجتماع اخلاقی نیز تلقی می‌شود؛ زیرا اعضاء آن به معیارها، ارزش‌ها و فرهنگی مشترک معتقدند؛ لذا یک نظام سیاسی نمی‌تواند انحصاراً بر

اساس سودجویی شخصی، جبر یا ترکیبی از آنها استقرار و دوام یابد و ثبات خود را در طول زمان حفظ کند.» (جانسون، ۱۳۶۳: ۶-۳۵).

از دیدگاه جامعه‌شناسی پارسنزی، نظم اجتماعی به تحقق ارزش‌های مشترک و عمومی وابسته است که به صورتی مشروع و اجباری مورد پذیرش و حرمت جامعه قرار می‌گیرند و به منزله معیارهایی عمل می‌کنند که غایات اعمال به وسیله آنها برگزیده می‌شود (ابراکرمبی^۱ ۱۹۸۴: ۲۲۷). به گفته پارسنز، دورکیم و ماکس وبر هر دو معتقدند که عمیق‌ترین ارزش‌های جامعه با نهادهای مذهبی جامعه ارتباطی نزدیک دارد. همچنین به اعتقاد آن دو، مذاهب برای ایجاد وفاق در جامعه و حفظ آن به وسایلی مجهزند؛ بنا بر این به اعتقاد آنان مذاهب به عنوان نهادهای مناسب، تجلی‌گاه ارزش‌های اساسی جامعه‌اند (ورسلی، ۱۳۷۸: ۴۷). البته وبر معتقد بود ارزش‌های گوناگونی که می‌توانیم به آنها بگوییم، همه در اجتماعاتی بشری شکل گرفته‌اند و چون این اجتماعات از هم مجزا هستند، خودبه‌خود با یکدیگر در تعارضند (آرون، ۱۳۶۳: ۹-۳۸۳). به عقیده پارسنز، پاره‌تو، دورکیم و وبر با مفاهیمی متفاوت مصالح یک نظریه مشترک را- که عبارت از ساخت کنش اجتماعی است- فراهم می‌آورند. از نظر او تلفیق نظریات این چهار متفکر می‌تواند به مسئله محوری جامعه‌شناسی پاسخ دهد. بدین ترتیب که «انسان موجودی اجتماعی و دینی است که آفریننده ارزش‌ها و نظام‌های اجتماعی است و کار جامعه‌شناسی عبارت از درک ساخت این ارزش‌ها و نظام‌ها یعنی درک کنش اجتماعی است.» (آرون، ۱۳۶۳: ۳۱۴-۳۱۳).

پارسنز با قبول اینکه نظریه اصلی جامعه‌شناسی، نظریه کنش اجتماعی است، معتقد است که دیگر متفکران پیش از او هر یک به بیان صورتی از این مسئله

^۱- Abercrombie

پرداخته‌اند و آنچه او انجام داده، در جهت تلفیق حوزه فرهنگ، اقتصاد و جامعه از یک طرف و تلفیق نظریات مارشال، پاره‌تو، وبر و دورکیم از طرف دیگر است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۹۵-۹۴). از نظر وی هر فرد در نظام شخصیتی خود که قسمتی از نظام کلی کنش است، هویتی منحصر به فرد و یکتا دارد؛ اما این نظام شخصیتی در ارتباط متقابل با سایر بخش‌های نظام کنش عمل می‌کند. کنش برخلاف رفتار- که حاصل پایگاه و نقش اجتماعی فرد در جامعه است- ارادی است و فرد در انجام دادن آن مختار است. وی ارزش‌ها را راهنمای کنش می‌داند و تأکید دارد که کنش‌های اجتماعی در چارچوب نظام هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از خصلت ارادی برخوردار است (ادیبی، ۱۳۵۸: ۷۱).

به اعتقاد پارسنز چون جریان کنش متقابل، خصلت اجتماعی دارد و ارزش‌ها در آن موثرند، نمی‌توان کنش اجتماعی را بدون در نظر گرفتن نظام اجتماعی- که خود مرکب از نظام‌های فرهنگی و شخصیتی است- مطالعه کرد؛ به بیان دیگر جامعه، فرهنگ و شخصیت در تجربه و عمل تفکیک ناپذیرند؛ لکن در دیدگاه نظری و تحلیلی می‌توان آنها را از یکدیگر متمایز کرد؛ یعنی کلیت نظام را باید در رابطه با اجزاء کوچک‌تر آن مانند فرد و نهادهای مختلف جامعه (اقتصاد، سیاست، آموزش و دین) جست‌وجو کرد که هر کدام دارای وظیفه و کارکرد^۱ معینی هستند و در کار سایر نهادها تأثیر دارند. همه این نهادها با سایر نهادها کارکردی مرتبط و به هم پیوسته داشته، برای حفظ یکدیگر وظایف خود را مبادله می‌کنند و هر یک سهم خود را در برابر نهادهای دیگر ایفا می‌کنند.

از دیدگاه وی کنش‌های اجتماعی تحت تأثیر چهار خرده‌نظام عمل می‌کنند:

¹- function

الف- نهاد دینی که مسئولیت ثبات اخلاقی را بر عهده دارد و از ارزش‌های فرهنگی عمومی مراقبت می‌کند.

ب- نهاد حقوقی که هنجارها و قوانین اجتماعی را تنظیم می‌کند.

ج- نهادهای اقتصادی که شرایط انطباق با محیط طبیعی را فراهم و حیات اقتصادی جامعه را تأمین می‌کنند.

د- نهادهای سیاسی که از هدف‌های عمومی جامعه مراقبت می‌کنند.

از دیدگاه وی هر نظام اجتماعی نیازهایی دارد که باید برآورده شوند تا آن نظام برقرار بماند؛ همچنین اجزایی دارد که برای رفع آن نیازها عمل می‌کند. به نظر او هر نظام در هر سطحی، برای تداوم بقاء خود باید چهار نیاز یا پیش‌نیاز را برآورده کند. این چهار پیش‌نیاز یا پیش‌شرط‌های کارکردی^۱ عبارتند از:

۱- هر نظام باید با محیط خود انطباق یابد (انطباق‌پذیری).^۲

۲- هر نظام باید ابزارهایی برای بسیج منابع خود داشته باشد تا بتواند به اهداف خود دست یابد و رضایتش حاصل شود (دستیابی به هدف).^۳

۳- هر نظام باید هماهنگی درونی اجزاء خود را حفظ کند و شیوه‌های برخورد با انحراف را به وجود آورد؛ به عبارت دیگر، باید خود را منسجم نگاه دارد (یکپارچگی).^۴

۴- هر نظام باید تا حد ممکن خود را در حالت تعادل نگاه دارد (حفظ انگاره).^۵
(کرایب، ۱۳۷۸، ۵۹).

1- functional prerequisites

2- adaptation

3- goal attainment

4- integration

5- pattern maintenance

نظریه کنش اجتماعی پارسنز در واقع بیانگر سلسله مراتب حاکم بر ارزش‌های متناظر خرده‌نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام کنش افراد است. از نظر پارسنز مجموعه فرآیندهایی که به مدد آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد، در حکم کارکرد حفظ الگو (یکپارچگی) در جامعه است. فرآیند اجتماعی شدن از طریق نقش‌پذیری و کنش متقابل با دیگران صورت می‌گیرد. از این طریق فرهنگ به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آنها درونی شده، عاملی مهم در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از طریق فرآیند اجتماعی شدن، ملکه ذهن شده، به صورت بخشی از وجود کنشگران در می‌آیند؛ به طوری که آنها در ضمن پی گرفتن منافعشان به مصالح کلی نظام اجتماعی خدمت می‌کنند. این کارکرد عمدتاً در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز است؛ هر چند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز «کارکرد» و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۷۹: ۲۵۶-۲۴۰).

در همه فرهنگ‌ها خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است و چون نظام‌های خانواده بسیار متفاوتند، دامنه تماس‌هایی که کودک تجربه می‌کند، در فرهنگ‌های مختلف به هیچ وجه یکسان نیست (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۵). مدرسه نیز به عنوان گروه ثانویه تأثیری به‌سزا در رشد اجتماعی و جامعه‌پذیری کودکان دارد. مدرسه نهادی است که رسماً توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌ها و ارزش‌هایی خاص شده است. هر جامعه با توجه به ارزش‌ها و اعتقادات، آداب و رسوم و شرایط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی خود، مدرسه را از ویژگی‌های خاصی از لحاظ هدف‌ها، وظایف و عملکرد برخوردار می‌سازد (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۱۵۴). با تأکید بر این دیدگاه اگر دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش بتوانند ارزش‌ها و هنجارها و فرهنگ جامعه را به طرز صحیح به نسل در حال آموزش منتقل کنند و نیز بین اهداف و برنامه‌ریزی‌های آنها

هماهنگی لازم وجود داشته باشد و جامعه پذیری به طرز صحیح انجام پذیرد، تعارضات در جامعه کمتر شده، نظم اجتماعی و انسجام جامعه حفظ خواهد شد. متقابلاً زمانی که نهادهای مسئول در تربیت اجتماعی نسل آینده در انجام وظایف محوله خود قصور کنند یا ناهماهنگ با هم و با اهداف کلی جامعه و دیگر خرده نظام‌های نظام اجتماعی کل عمل نمایند، در جامعه با تعارضات فرهنگی و اختلال در آموزش و انتقال فرهنگ و ارزش‌ها و هنجارهای ناشی از آن رو به‌رو خواهیم بود.

در ذیل به برخی از تحقیقات داخلی و خارجی در باره ارزش‌ها و رابطه ارزش‌های خانواده، دانش‌آموزان و مدرسه اشاره می‌گردد:

میلر و هوت (۱۹۴۹) در مطالعات خود اظهار داشته‌اند که دخترها بیش از پسرها ارزش‌ها را از والدین پذیرفته‌اند و بین جوانان و بزرگسالان تفاوت‌هایی معنادار در سازه‌ارزشی مشاهده شده است.

هرکام و مک‌کنا (۱۹۷۶) با استفاده از پرسشنامه آلپورت و همکارانش از همبستگی جزئی و ضعیف بین ساختار ارزشی نوجوانان و والدینشان در جنبه‌های اقتصادی، زیباشناختی و سیاسی حکایت کردند.

جانز و کورت (۱۹۸۷) معتقدند که فرزندان با والدین در ارزش‌هایی همبستگی دارند؛ اما این همبستگی غالباً ضعیف بوده است. نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که فرزندان بیشتر از زیرگروه‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرند تا از خانواده‌های هسته‌ای و لزوماً آنچه والدین پذیرفته‌اند و علاقه‌مند به انتقال آنها به فرزندان هستند، مورد پذیرش نوجوانان قرار نمی‌گیرد.

هاپکینز (۱۹۹۱) در بررسی به هم‌پیوستگی خانه و مدرسه در انگلستان نشان داده است که چگونه مدل‌ها و الگوهای رفتاری و ارزش‌های خانواده و مدرسه در همسویی و هماهنگی با یکدیگر موجب پیشرفت تحصیلی و هم‌نوایی دانش‌آموزان

با خانه و مدرسه می‌گردد و دانش‌آموزان موفق در شرایط مساعد ارزش‌های هم‌نوا بین این دو نهاد اجتماعی قرار گرفته‌اند (به نقل از کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۸۵). خوشفر (۱۳۷۴) با بهره‌گیری از نظریه اجتماعی شدن مبتنی بر دیدگاه‌های هربرت مید، کولی و رایزن بر اساس پاسخ دانش‌آموزان پسر به پرسشنامه ده‌گویه‌ای محقق‌ساخته اظهار می‌دارد: «بعد از خانواده، دانش‌آموز بیشترین اهمیت را به ارزش‌ها می‌دهد و بعد از آن مدرسه قرار دارد. گروه همسالان کمترین اهمیت را به ارزش‌ها می‌دهد.»

بین ارزش‌های خانواده و مدرسه تفاوت وجود دارد. ارزش‌های نهاد خانواده با ضریب همبستگی $r=0/450$ بیشترین رابطه مثبت را با ارزش‌های دانش‌آموزان دارد. کاشانی (۱۳۷۷) با تکیه بر نظریه امیل دورکیم در زمینه نقش جامعه در تعیین و تغییر ارزش‌های اجتماعی و تأثیر بی‌شائبه آن بر نهاد تعلیم و تربیت به بررسی تضاد ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه و تأثیر آن بر هم‌نواپی دانش‌آموزان پرداخته است. در این پژوهش از دانش‌آموزان دختر خواسته شد تا در پرسشنامه محقق‌ساخته نظر خود، پدر، مادر، دوستان و امور تربیتی را حول چهار محور پوشش و آرایش ظاهر، ارتباط با جنس مخالف، گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های دینی و اخلاقی بیان کنند. یافته‌های این پژوهش نمایانگر آن است که بین ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه تضاد بالایی مشاهده شده است. دانش‌آموزان بیشترین گرایش را به ارزش‌های اجتماعی گروه همسالان و سپس خانواده خود نشان داده‌اند و کمترین میزان تضاد ارزشی را با دوستان صمیمی و سپس خانواده خود داشته‌اند. بیشترین تضاد ارزشی و کمترین میزان گرایش، بین دانش‌آموزان و مدرسه ملاحظه شده است.

تیموری (۱۳۷۸) با بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران با استفاده از پرسشنامه آلپورت و همکارانش اظهار داشته است: «پدران و پسران در مورد

ارزش‌های اقتصادی، علمی و سیاسی دارای کمترین اختلاف ارزشی و در مورد ارزش‌های اجتماعی و مذهبی دارای بالاترین تفاوت ارزشی هستند.»
عرفانی (۱۳۸۳) با استفاده از سنجه دوازده‌ارزشی اینگلهارت به بررسی رابطه گرایش‌های ارزشی در بین دو گروه دانش‌آموزان و مربیان مدارس پیش‌دانشگاهی استان کردستان پرداخته و نتیجه گرفته است که گرایش ارزشی بیشتر دانش‌آموزان، فرامادی و گرایش مربیان مدرسه مادی است و بین گرایش ارزشی آنها رابطه معنادار وجود ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی است و در آن از روش تحقیق همبستگی^۱ استفاده شده است.

آزمودنی‌ها:

جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش شامل دانش‌آموزان دبیرستان‌های مناطق نوزده‌گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ است که بر اساس آمار سازمان آموزش و پرورش شهر تهران ۳۲۵۲۷۴ دانش‌آموز (۱۷۳۸۵۶ دختر و ۱۵۱۴۱۸ پسر) و ۲۸۷۶۱ تن از کارکنان اداری و آموزشی (۱۸۰۶۱ زن و ۱۰۷۰۰ مرد) را در بر می‌گیرد.

حجم نمونه محاسبه شده بر اساس فرمول کوکران برای دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه به تفکیک ۳۸۳ نفر و نمونه آماری کارکنان اداری و آموزشی ۳۷۹ نفر است.

با توجه به آنکه افزایش حجم نمونه باعث کاهش افت و اعتبار مقطعی و افزایش پایایی و اعتبار و روایی معادله برای استفاده در نمونه‌های دیگر می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۳)، در این پژوهش حجم جامعه نمونه شامل ۸۹۴ دانش‌آموز (دختر و پسر) سال سوم دبیرستان و ۴۲۰ تن از کارکنان اداری و آموزشی دبیرستان‌های دولتی مناطق نوزده‌گانه شهر تهران در نظر گرفته شد.

برای نمونه‌گیری از روش تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ بدین نحو که ابتدا نوزده منطقه آموزشی شهر تهران به پنج منطقه شمال، جنوب، مغرب، مشرق و مرکز تقسیم گشت. در مرحله بعد به طور تصادفی یک منطقه از هر

مجموعه و از بین مدارس متوسطه هر منطقه یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه انتخاب شدند و در هر یک از این دبیرستان‌ها از هر رشته تحصیلی یک کلاس سی نفره (جمعاً ۹۰ دانش‌آموز) و ۴۳ تن از کادر آموزشی و اداری شامل مدیر، معاون، مشاور و ۴۰ نفر از دبیران به صورت تصادفی انتخاب گردیدند.

فرضیه‌های پژوهش:

الف) بین نظام ارزشی دانش‌آموزان با نظام ارزشی والدین و مربیان مدرسه رابطه وجود دارد.

ب) نظام‌های ارزشی والدین و مربیان مدرسه می‌توانند نظام ارزشی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند.

ابزار اندازه‌گیری:

اطلاعات مورد نیاز از طریق دو پرسشنامه، جمع‌آوری گردید که یکی به مربیان مدرسه و دیگری به دانش‌آموزان مربوط بود. دانش‌آموزان در پرسشنامه خود علاوه بر ابراز نظر شخصی، نظر اولیاء خود را هم در مورد هر یک از آیتم‌های پرسشنامه نظام ارزشی بر روی یک طیف پنج گزینه‌ای بیان کردند. این پرسشنامه - که محقق با استفاده از پرسشنامه‌های محبوبی‌منش (۱۳۸۰) و سایرین طرح کرده است - شامل سه بخش ویژگی‌های فردی، نحوه گذران اوقات فراغت و نظام ارزشی است. نظام ارزشی از چهار خرده‌نظام ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشکیل شده و شامل شصت مولفه است. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش ارزش‌ها در این پژوهش عبارتند از:

اندیشه و تفکر، ایمان، تقوا، اخلاص، امانت‌داری، وفای به عهد، امیدواری به رحمت خدا، اعتقاد به جهان دیگر انفاق، توکل به خداوند، صلۀ رحم، علم و دانش،

عفت و پاکدامنی، عقل‌گرایی، پایبندی به دین، حقیقت‌جویی ترک محرّمات، انجام واجبات، آرمان‌خواهی، شکیبایی در مقابل سختی‌ها، فداکاری، گذشت، اعتماد به نفس تعهد، مسئولیت‌پذیری، صداقت و درستکاری، حفظ آبرو، یکرنگی، همدلی، نوع‌دوستی، رعایت حقوق دیگران حفظ هویت دینی، آزادی بیان، دفاع از وطن، تحمل اندیشه‌های متفاوت، شرکت در انتخابات، عزت و احترام نظم، انضباط، اعتماد، توانایی انتقاد کردن، رعایت بهداشت و پاکیزگی، استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی انضباط در کار، سرمایه‌گذاری، پیشرفت و ترقی، رفاه در زندگی، کار و تلاش، وقت‌شناسی، مسکن مناسب تعاون و همکاری، شغل مناسب، امنیت جانی، حفظ هویت ملی، همکاری و روحیه کار گروهی، حفاظت از اموال و ثروت‌های ملی، انعطاف‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، اقتدار ملی، امنیت ملی، مردم‌سالاری، امنیت فکری اجرای قوانین به دست مسئولین، شایسته‌سالاری، توسعه (ارتقاء جایگاه جامعه در جهان).

اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری:

اعتبار محتوایی^۱ مقوله‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با استفاده از ضریب توافقی کندال^۲ محاسبه شد و داوران متفقاً معتقد بودند که سوالات مقوله‌ها با مبانی نظری آنها منطبق است.

در این پژوهش اعتبار ملاکی^۳ از طریق اعتبار پیش‌بین برای پرسشنامه نظام ارزشی همکاران ۰/۹۷ و برای دانش‌آموزان ۰/۹۴ و برای اولیاء دانش‌آموزان ۰/۸۸

1- content validity
2- Kendall's W test
3- criterion validity

محاسبه شده است. اعتبار سازه^۱ در این پژوهش از طریق تحلیل عاملی نظام ارزشی دانش آموزان، مربیان مدرسه و والدین دانش آموزان حول چهار عامل به دست آمد و در هر عامل گویه‌هایی که بار عاملی آنها کوچک‌تر از $۰/۳$ بود یا آنکه در دو عامل قرار داشتند، حذف گردیدند.

پایایی نظام‌های ارزشی دانش آموزان و مدرسه و والدین از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب پایایی برای پرسشنامه نظام ارزشی دانش آموزان $۰/۷۳$ ، پرسشنامه نظام ارزشی مربیان مدرسه $۰/۹۸$ و پرسشنامه نظام ارزشی والدین $۰/۹۱$ به دست آمد. بنا بر این با استفاده از این ابزارها می‌توان سازه‌های مورد نظر را به خوبی پیش‌بینی کرد.
شیوه نمره‌گذاری:

میانگین نمره‌های هر یک از پاسخگویان در پرسشنامه نظام ارزشی و خرده نظام‌های آن به منزله نمره نظام ارزشی و خرده‌نظام‌های ارزشی آن افراد در نظر گرفته شده است.

تحلیل آماری:

در این پژوهش رابطه بین نظام ارزشی دانش آموزان با والدین و مربیان مدرسه از طریق آزمون همبستگی پیرسون و تعیین سهم هر یک از این دو نهاد در پیش‌بینی نظام ارزشی دانش آموزان با استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام محاسبه شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

در این پژوهش برای بررسی رابطه نظام ارزشی دانش آموزان با والدین و مربیان مدرسه، ابتدا همبستگی بین خرده‌نظام‌های آنها یعنی ارزش‌های فرهنگی،

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و سپس همبستگی بین نظام ارزشی این سه گروه محاسبه گردید که نتایج آن به شرح ذیل است:

۱- رابطه ارزش‌های فرهنگی مربیان مدرسه، والدین و دانش‌آموزان

جدول (۱) همبستگی ارزش‌های فرهنگی دانش‌آموزان، والدین و مربیان مدرسه

| ارزش‌های فرهنگی دانش‌آموزان | ارزش‌های فرهنگی والدین | ارزش‌های مربیان مدرسه | ارزش‌های فرهنگی |
|-----------------------------|------------------------|-----------------------|------------------------------|
| ۰/۰۸ | ۰/۰۴ | | ارزش‌های فرهنگی مربیان مدرسه |
| ۰/۵۶** | | ۰/۰۴ | ارزش‌های فرهنگی والدین |
| | ۰/۵۶** | ۰/۰۸ | ارزش‌های فرهنگی دانش‌آموزان |

** $P < 0.01$

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین ارزش‌های فرهنگی والدین و دانش‌آموزان ($r = 0.56$) همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی افزایش یا کاهش در ارزش‌های فرهنگی والدین موجب افزایش یا کاهش در ارزش‌های فرهنگی دانش‌آموزان می‌گردد. ضریب همبستگی (r) شاخص آماری است که نوع رابطه، جهت رابطه و مقدار و میزان رابطه را نشان می‌دهد؛ بنا بر این برای مشخص شدن واریانس مشترک بین دو متغیر وابسته و مستقل از ضریب تعیین (R^2) استفاده می‌کنیم. در واقع ضریب تعیین مجذور ضریب همبستگی است (ساعی، ۱۳۸۱: ۱۵۷-۱۳۶) بنا بر این $R^2 = 0.3136$ است؛ یعنی ارزش‌های فرهنگی والدین ۳۱٪ واریانس ارزش‌های فرهنگی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند.

۲- رابطه بین ارزش‌های اجتماعی مربیان مدرسه، والدین و دانش‌آموزان:

جدول ۲) همبستگی بین ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان
با والدین و مربیان مدرسه

| ارزش‌های اجتماعی | مربیان مدرسه | والدین | دانش‌آموزان |
|------------------|--------------|--------|-------------|
| مربیان مدرسه | | ۰/۰۷ | -۰/۰۱ |
| والدین | ۰/۰۷ | | ۰/۲۳** |
| دانش‌آموزان | -۰/۰۱ | ۰/۲۳** | |

**P < ۰/۰۱

با توجه به جدول فوق نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین ارزش‌های اجتماعی والدین و دانش‌آموزان ($r = ۰/۲۳$) همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی افزایش یا کاهش در ارزش‌های اجتماعی والدین موجب افزایش یا کاهش در ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد. ضریب تعیین محاسبه شده برای ارزش‌های اجتماعی برابر با ($R^2 = ۰/۰۵۲۹$) است؛ بنا بر این فقط ۵٪ از واریانس ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان توسط ارزش‌های اجتماعی والدینشان تبیین می‌شود.

۳- رابطه بین ارزش‌های اقتصادی مربیان مدرسه، والدین و دانش‌آموزان:

جدول ۳) همبستگی بین ارزش‌های اقتصادی دانش‌آموزان
با والدین و مربیان مدرسه

| ارزش‌های اقتصادی | مربیان مدرسه | والدین | دانش‌آموزان |
|------------------|--------------|--------|-------------|
| مربیان مدرسه | | .۱۰۶ | .۱۰۰۵ |
| والدین | .۱۰۶ | | .۱۰۶** |
| دانش‌آموزان | .۱۰۰۵ | .۱۰۶** | |

** $P < .01$

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین ارزش‌های اقتصادی والدین و دانش‌آموزان ($r = .106$) همبستگی مثبت وجود دارد؛ پس افزایش یا کاهش ارزش‌های اقتصادی والدین موجب افزایش یا کاهش ارزش‌های اقتصادی دانش‌آموزان می‌گردد. مقدار ($R^2 = .04356$) است؛ یعنی حدود ۴۴٪ از واریانس ارزش‌های اقتصادی دانش‌آموزان توسط ارزش‌های اقتصادی والدین تبیین می‌گردد.

۴ - رابطه بین ارزش‌های سیاسی مربیان مدرسه، والدین و دانش‌آموزان:

جدول ۴) همبستگی ارزش‌های سیاسی دانش آموزان
با والدین و مربیان مدرسه

| ارزش‌های سیاسی | مربیان مدرسه | والدین | دانش آموزان |
|----------------|--------------|--------|-------------|
| مربیان مدرسه | | ۰/۰۲ | ۰ |
| والدین | ۰/۰۲ | | ۰/۷۷** |
| دانش آموزان | ۰ | ۰/۷۷** | |

**P < ۰/۰۱

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین ارزش‌های سیاسی والدین و دانش آموزان ($r = ۰/۷۷$) همبستگی مثبت وجود دارد؛ بنا بر این افزایش یا کاهش ارزش‌های سیاسی والدین موجب افزایش یا کاهش ارزش‌های سیاسی دانش آموزان است. با محاسبه مقدار ($R^2 = ۰/۵۹۲۹$) مشخص می‌شود که ۵۹٪ از واریانس ارزش‌های سیاسی دانش آموزان توسط ارزش‌های سیاسی والدین تبیین می‌شود.

۵- رابطه نظام ارزشی دانش آموزان با والدین و اولیا، مدرسه:

۱-۵) همبستگی نظام ارزش‌های دانش آموزان با

والدین و مربیان مدرسه

| نظام ارزشی | مربیان مدرسه | والدین | دانش آموزان |
|--------------|--------------|--------|-------------|
| مربیان مدرسه | | ۰/۰۶ | ۰/۰۲ |
| والدین | ۰/۰۶ | | ۰/۷۵** |
| دانش آموزان | ۰/۰۲ | ۰/۷۵** | |

**P < ۰/۰۱

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین نظام ارزش‌های والدین و دانش‌آموزان ($r=0/75$) همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی افزایش یا کاهش نظام ارزشی والدین موجب افزایش یا کاهش در نظام ارزشی دانش‌آموزان می‌گردد. با محاسبه ضریب تعیین ($R^2=0/5625$) مشخص می‌شود که ۵۶٪ از واریانس نظام ارزشی دانش‌آموزان توسط نظام ارزشی والدین تبیین می‌شود.

پیش‌بینی نظام ارزشی دانش‌آموزان از روی نظام ارزشی والدین و مربیان مدرسه؛ در این پژوهش برای تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش‌بین (نظام ارزشی والدین و نظام ارزشی مربیان مدرسه) در پیش‌بینی متغیر ملاک (نظام ارزشی دانش‌آموزان) از رگرسیون گام‌به‌گام^۱ استفاده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۶) خلاصه تحلیل رگرسیون نظام ارزشی دانش آموزان از روی نظام

ارزشی والدین و مربیان مدرسه

| متغیر پیش‌بین | مجموع مجذورات | میانگین مجذورات | Df | F | R ² | R | β | عرض از مبدأ (a) شیب خط (b) | t | سطح معناداری P |
|-------------------|---------------|-----------------|-----|-------|----------------|--------|---------|----------------------------|---------------|----------------|
| نظام ارزشی والدین | ۱۶۰۹۹۲۱۰۲ | ۴۲۶۱۲۹ | ۳۶۹ | ۵۱۳/۶ | ۰/۵۸۲ | -۰/۷۶۳ | -۰/۷۶۳ | ۵۵/۷۹ ۰/۸۷ | ۷۱-۴ ۲۲/۶۶ | ** P<۰/۰۰۱ |

همچنان که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، فقط بین متغیر پیش‌بین نظام ارزشی والدین با متغیر ملاک نظام ارزشی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد و نسبت F مشاهده‌شده برای نظام ارزشی والدین $۵۱۳/۶$ و در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است؛ یعنی رگرسیون نظام ارزشی دانش‌آموزان از روی نظام ارزشی والدین با اطمینان

$۹۹/۹\%$ معنادار است. همچنین همبستگی بین نظام ارزشی دانش‌آموزان و والدین $R = ۰/۷۶۳$ است که از لحاظ آماری ($P < ۰/۰۱$) معنادار است. به بیان دیگر با افزایش نظام ارزشی والدین، نظام ارزشی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد و مقدار R^2 نشان می‌دهد که $۵۸/۰\%$ تغییرات متغیر ملاک (نظام ارزشی دانش‌آموزان) از طریق متغیر پیش‌بین (نظام ارزشی والدین) قابل پیش‌بینی است؛ یعنی حدود $۵۸/۰\%$ از واریانس نظام ارزشی دانش‌آموزان را نظام ارزشی والدین به‌تنهایی تبیین می‌کند.

مقدار ضریب b مشاهده‌شده معادل $۰/۸۷$ است که از طریق آزمون t معنادار تلقی شده است. ($T = ۷/۰۴ P < ۰/۰۱$)

بنا بر این اگر نمره نظام ارزشی والدین دانش‌آموزان شهر تهران موجود باشد، با استفاده از مقدار ($\beta = ۰/۷۶۳$) می‌توان نظام ارزشی دانش‌آموزان شهر تهران را پیش‌بینی کرد؛ یعنی با افزایش سطح نظام ارزشی والدین به اندازه یک واحد، نظام

ارزشی دانش‌آموزان ۰/۷۶۳ واحد افزایش می‌یابد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که بین نظام ارزشی مربیان مدرسه و دانش‌آموزان از لحاظ آماری رابطه معنادار وجود ندارد؛ یعنی نظام ارزشی دانش‌آموزان را نمی‌توان از روی نظام ارزشی مربیان مدرسه پیش‌بینی کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

۱. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین نظام ارزشی والدین و دانش‌آموزان ($r = 0/75$) همبستگی مثبت وجود دارد و این رابطه در خرده‌نظام‌های ارزشی نیز به ترتیب ذیل مشاهده می‌گردد:
 - بین ارزش‌های سیاسی والدین و دانش‌آموزان ($r = 0/77$) همبستگی مثبت وجود دارد.
 - بین ارزش‌های اقتصادی والدین و دانش‌آموزان ($r = 0/66$) همبستگی مثبت وجود دارد.
 - بین ارزش‌های فرهنگی والدین و دانش‌آموزان ($r = 0/56$) همبستگی مثبت وجود دارد.
 - بین ارزش‌های اجتماعی والدین و دانش‌آموزان ($r = 0/23$) همبستگی مثبت وجود دارد.
- به عبارت دیگر با افزایش ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظام ارزشی خانواده این ارزش‌ها در دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. بین خرده‌نظام‌ها و نظام ارزشی والدین و دانش‌آموزان همبستگی مثبت وجود دارد و با افزایش ارزش‌های والدین، ارزش‌های دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد؛ از این رو توجه بیشتر در مورد نظام ارزشی والدین و خرده‌نظام‌های آن در جهت تقویت و درونی کردن ارزش‌ها در دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد.
۲. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بین خرده‌نظام‌ها و نظام ارزشی مربیان مدرسه و دانش‌آموزان همبستگی وجود ندارد؛ بنا بر این به نظر می‌رسد که یکی از پیش‌شرط‌های کارکردی یعنی حفظ الگو به‌درستی تحقق نیافته است. به نظر پارسنز این مسئله می‌تواند نظم اجتماعی را به خطر اندازد؛ چون یکی از ارکان مهم فرآیند اجتماعی شدن، وظیفه خود را به‌خوبی انجام نداده است. برخی از دلایل این امر می‌تواند به شرح ذیل باشد:
 - عدم تطابق اهداف نظام آموزشی با برنامه‌های آموزشی

- عدم هماهنگی بین نظام ارزشی مربیان مدرسه و والدین و دانش‌آموزان
- برجسته‌تر شدن نقش خانواده، گروه همسالان و وسایل ارتباط جمعی در الگوپذیری دانش‌آموزان به علت تغییر و تحولات جهان معاصر
- عدم هماهنگی مربیان مدرسه و والدین در شیوه‌های انتقال ارزش‌ها و برخورد با انحرافات
- تضعیف جایگاه مربیان مدرسه در نزد دانش‌آموزان نیز می‌تواند موجب عدم پذیرش الگو از ایشان باشد.
- بنا بر این پیشنهاد می‌گردد:
- بررسی تطابق اهداف و برنامه‌های نظام آموزشی و خرده‌نظام‌های آن در اولویت پژوهش‌های پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و مسئولین محترم نهادهای آموزشی قرار گیرد.
- برای ایجاد هماهنگی در راه‌های انتقال ارزش‌ها و برنامه‌ها و اهداف نهاد آموزش با نهاد خانواده جلسات گفت‌وگوشنود یا کارگاه‌های آموزشی به صورت مشترک برای والدین و مربیان مدارس ترتیب داده شود.
- از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی تلاش شود تا جایگاه مربیان مدرسه در نزد دانش‌آموزان و خانواده‌های ایشان تقویت گردد. این امر به پذیرش الگو از این گروه کمک می‌کند.
- ۳. ضریب تعیین (R^2) محاسبه‌شده در این بررسی نیز نشان می‌دهد که ۵۶٪ از تغییرات نظام ارزشی دانش‌آموزان را نظام ارزشی والدین تبیین می‌کند و در خرده‌نظام‌های ارزشی، ارزش‌های سیاسی والدین ۵۹٪، ارزش‌های اقتصادی ۴۴٪، ارزش‌های فرهنگی ۳۱٪ و ارزش‌های اجتماعی والدین فقط ۵٪ از واریانس ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند؛ یعنی در بین خرده‌نظام‌های نظام ارزشی، ارزش‌های سیاسی والدین درصد بیشتری از واریانس ارزش‌های سیاسی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند و بعد از آن به ترتیب، ارزش‌های اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی قرار دارند. ارزش‌های اجتماعی والدین درصد بسیار کمی از

واریانس ارزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین می‌کند. بنا بر این پیشنهاد می‌گردد با انجام پژوهش‌های مناسب در پژوهشکده‌های تعلیم و تربیت و اولیاء و مربیان (خانواده) علل این موضوع مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. البته تا حصول نتایج تحقیقات می‌توان با استفاده از آموزش‌های رسمی و غیررسمی (کلاس‌های آموزش خانواده، رسانه‌های جمعی، تشکل‌های سیاسی و مذهبی و غیره) زمینه‌های تقویت این ارزش‌ها، به خصوص ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم کرد.

۴. نتایج رگرسیون ($P < .01$ و $F = 513/6$) نشان می‌دهد که نظام ارزشی دانش‌آموزان را می‌توان از روی نظام ارزشی والدین با اطمینان $99/9\%$ پیش‌بینی کرد. همچنین بین نظام ارزشی دانش‌آموزان و والدین ($P < .01$ و $R = .763$) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.

مقدار R^2 ($R^2 = .582$) نیز نشان می‌دهد که 58% از واریانس نظام ارزشی دانش‌آموزان را نظام ارزشی والدین به تنهایی تبیین می‌کند. ز سوی دیگر بزرگ بودن مقدار بتا، بیانگر اهمیت بیشتر متغیر مستقل در تفسیر متغیر وابسته است. بنا بر این یکی از مهم‌ترین منابع تغییر ارزش‌های دانش‌آموزان، ارزش‌های والدین ایشان است؛ به نحوی که به ازای یک واحد تغییر در نظام ارزشی والدین، $763/0$ واحد تغییر در نظام ارزشی دانش‌آموزان ایجاد می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌شود: برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فرهنگی جامعه برای ایجاد، ثبیت، ترویج یا تغییر ارزش‌ها به خانواده به عنوان منبع مهم تغییر ارزش‌ها در دانش‌آموزان عنایت خاص داشته باشند. این امر مهم را می‌توان به طور اخص در صدر برنامه‌های پژوهشکده اولیاء و مربیان (خانواده) قرار داد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- آرون، ریمون، (۱۳۶۳)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی (جلد دوم) ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۷۹)، درآمدی بر نظریه‌سازی در جامعه‌شناسی، چاپ آرین، تهران، مؤسسه نشر کلمه، چاپ اول.
- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود، (۱۳۵۸)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات جامعه.
- بدیع، برتران، (۱۳۷۶)، فرهنگ و سیاست، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، نشر دادگستر.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم.
- تیموری، کاوه، (۱۳۷۸)، «بررسی نظام ارزش‌های نوجوانان شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جانسون، چالمرز، (۱۳۶۳)، تحول انقلابی (بررسی نظری پدیده انقلاب)، ترجمه حمید الماسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- حسن‌زاده، رمضان، (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای علمی تحقیق)، تهران، نشر ساوالان، چاپ دوم.

- خوشفر، غلامرضا، (۱۳۷۴)، «مقایسه تحلیلی ارزش‌های خانواده، مدرسه، گروه همسالان از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های تهران» طرح تحقیقاتی انجمن اولیاء و مربیان.

- رابرتسون، یان، (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز، کنش، متقابل نمادی)، حسین بهروان، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

- رتیز، جورج، (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ پنجم.

- رجبزاده و دیگران، (۱۳۸۳)، مطالعات اجتماعی، سال اول دبیرستان، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ ششم.

- روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات تبیان.

- ساعی، علی، (۱۳۸۱)، تحلیل آماری در علوم اجتماعی با نرم‌افزار SPSS for windows (درآمدی بر روش تحقیق اجتماعی)، تهران، انتشارات کیان‌مهر، چاپ سوم.

- شارون، جونل، (۱۳۷۹)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری‌کاشانی، تهران، نشر نی، چاپ اول.

- عرفانی، نصرالله، (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه گرایش‌های ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس پیش‌دانشگاهی استان کردستان» فصلنامه تعلیم و تربیت، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، سال بیستم، شماره ۲- تابستان ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۷۸.

- علاقه‌بند، علی، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات حیدری، چاپ دوازدهم.

- کاشانی، مجید، (۱۳۷۸)، «تضاد ارزش‌های خانه و مدرسه و تأثیر آن بر هم‌نوایی دانش‌آموزان» رساله دکتری در رشته ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- کاشانی، مجید، (۱۳۷۹)، «بررسی تضاد ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه و تأثیر آن بر هم‌نوایی دانش‌آموزان» (رساله دکتری) ویژه‌نامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال شانزدهم شماره ۳- پائیز، شماره مسلسل ۶۳.
- کرایب، یان، (۱۳۷۸)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسنز تا هابرماس، ترجمه عباس فجر، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات تبیان.
- محبوبی‌منش، حسین، (۱۳۸۰)، «سلسله مراتب ارزشی دانشجویان و بررسی مقایسه‌ای میان دانشگاه علوم انتظامی و دانشگاه تربیت معلم تهران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی در تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی زهد، چاپ اول.
- ورسلی، پیتر، (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.

منابع انگلیسی

- Abercrombie, A. and S. Hill: (1984), *The penguin Dictionary of Sociology* England: Allen Lone.
- Hofstede, G: (1997). *Culture and Organization*. U.S.A M.C Grow Hill.
- Hopkins, J (1991). *Educational achievement and conformity*. Family journal. Vol: 33, N3.
- Parsons, Talcott (1951) *the social system*, Glencoe: the free press.
- Ritzer, George: (1988) "*Contemporary Sociological Theory*", second Edition,
New York; Alfred A. knop F, Inc.

